

سرشناسه : شاعری، رشتہ، ۱۳۴۴ -
 عنوان و نام پبلیشر : میہمان حبیب/ رضا شاعری
 مشخصات نشر : تهران: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۴۰۲.
 مشخصات قلمرو : ۴ ص:، مصور، ۱۰.۵x۱۷.۵سانچہ.
 شابک : 978-964-495-720-8
 وضعیت فهرست نویسی : آریا
 یادداشت : کتاب حاضر خطرات سے نظر از ہرزمان حاج قاسم سلیمانی است کہ توسط رضا شاعری بہ شکل داستان نگاشتن شدہ است.
 موضوع : سلیمانی، قاسم، ۱۳۲۵-۱۳۹۸ -- بوستان و لشکران -- خاطرات
 موضوع : Solaimani, Qasem -- Friends and associates -- Dairies
 موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : Persian fiction -- 20th century
 ششامہ ازودہ : موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
 ردہ بندی کتاب : PIR۸۴۴۱
 ردہ بندی نویسی : ۵۵۳۴۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۳۴۲۷۰
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : آریا

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
 تلفن: ۵۵۴۱۱۱۵۱-۵۵۴۹۹۵۸
 نشانی: ۵۵۹۷۰۳
 www.ghadr110.ir



کتابهای آریا
 موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

نام کتاب: **میہمان حبیب / نویسنده: رضا شاعری / طراح**
گرافیک: گروه طراحان ۴میخ / نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲ /
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد / چاپ و صحافی: جعفری - صداقت /
شابک جلد: ۸-۷۲۰-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸ / قیمت: ۶۰ هزار تومان
این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است

باذن الله...

تو لبخند افسونگر کدام نسلی؟

جنگ با ما چه کرد که سال‌ها سپری شده و هنوز هنگامی که به چهره‌ی بازماندگان از جنگ می‌نگریم یاد و خاطره‌ی روزگارانی برایمان زنده می‌شود که عشق و ایمان از جنگی تحمیلی دفاعی مقدس ساخت. و چه زیبا گفت آن فرمانده‌ی شهید^۱ که «ما با آنهایی کار داریم که رهرو عشقند.»

هنوز بسیاری از مادران شهدای جاوید چشم انتظارند تا شاید نشانی و پلاکی و استخوانی از جوانی رعنا را برایشان به ارمغان آورند. هنوز مادر شهیدی که سی و پنج سال چشم به در سپید کرده در باره اسماعیل ذیحش می‌گوید: «خودش در خواب به من گفت: مادر جان پیکر من بازمی‌گردد خودت را به زحم نیندازی‌ها.»

1 سردار شهید مجیدپازوکی فرمانده تفحص لشکر ۲۷ محمد رسول الله «ص»

« این کتاب را به برادر شهیدم آقا جواد و همسرم که آبروی شناسنامه من است تقدیم می‌کنم. »

نینوا و در بامداد فیروزه‌ای سیزدهم دی ماه ۹۸، تصویر و روایت دیگری از رویارویی حق و باطل که نبرد همیشگی تاریخ است، به نمایش گذاشتند. از یاران او بسیار شنیدم که با دوستان بسیار اهل تواضع، فروتنی و رفق و مدارا بود. یاد آن برش از کتاب قیدار افتادم که نوشته بود، «از زیارت نامه‌ی ارباب و انی سلم لمن سالمکم اش این چنین بر می‌آید که پروردگار عالم رفیق بازها را بیشتر دوست می‌دارد.»

در پایان از زحمات استاد محمد علی گودینی و برادر ارزشمندم ابوالفضل حسینی برای خوانش و ویرایش اثر و مجموعه‌ی محترم و وزین قدر ولایت که چاپ این اثر را بر عهده گرفتند، مراتب تشکر و سپاسگزاری را به جای می‌آورم. «برش اول این روایت داستانی برگرفته از خاطرات سردار حاج مرتضی حاج باقری دوست و هم‌رزم چهل ساله‌ی حاج قاسم است.

بخش دوم خاطرات کاپیتان حاج مصطفی عرب‌نژاد و بخش سوم این کتاب، خاطراتی از سردار حاج کمیل کهنسال، سردار عبدالحسین رحیمی و روایت آزادسازی بوکمال توسط برادر عزیزم آقا سیدحسن که مترجم عربی فرماندهان و نیروهای مقاومت بود، نقل شده و اینجانب در حد توان آن خاطرات را به تصویر کشیده‌ام.»

رضا شاعری

دفاع مقدس ویژگی‌هایی دارد که باید بررسی شود و خاطرات ناگفته‌ای دارد که باید از سینه‌ی یاران‌ش چون گنجی گران‌بها بیرون کشیده و غیرت و عزت و دفاع از شرف این مرز و بوم را به زیباترین گونه تبیین کرد، باید گفت و نوشت که چه انسان‌هایی از دل این رازها و شوق لحظات ناب پدید آمدند. فرشته‌خوایانی که با خلوص و نیت قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ راه جهاد را پیشه کردند و در منزلگاه صدق نزد خداوند عزّت، جاودانه شدند. یکی از آن جان‌های پاک سرباز وطن و سردار دل‌ها «سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی»، روستایی زاده‌ای است که خود در جایی گفته بود: «وقتی انقلاب شد، من توی جنگ نه درجه داشتم، نه حاجی بودم، نه طایفه بزرگی داشتم، نه پارتی داشتم، نه سردار بودم، اما یاد ندارم یک نمونه‌ای تمزّد کرده باشم.»

وقتی شهادت او همچون دانه‌های باران گرد و غبارها را شست، فهمیدم آنچه به عزت آدمی میان ملت‌ها منتهی می‌شود، روحیه‌ی مجاهدانه و زیست مومنانه است.

بی‌گمان یکی از اتفاقات‌های خوب این ایام، مصاحبت با دوستان مردی است که حبیب خدا بود و حبیب مردم... اصلاً حبیب سیدالشهدا (ع) که باشی حبیب خدا و خلق خدا هم می‌شوی. اصلاً، نام و نشان لشکر ۴۱ ثارالله و نام جهادی حبیب هم انگار بی‌ربط به این خلق و خوی آسمانی نیست...

آن مجاهد نیکوخال و یاران شهیدش با مرگ خونین‌شان در سرزمین